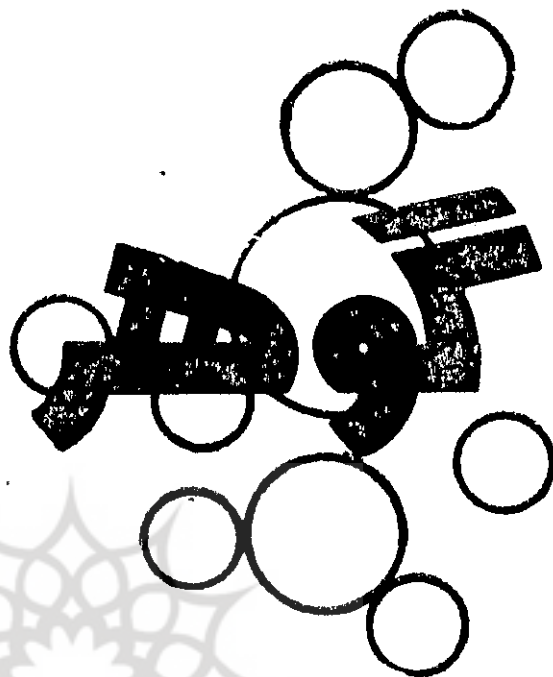


سال سوم - شماره ۶ شهریور ماه ۱۳۵۴



مدیرمسئول: مرتضی کامران

زبان پارسی دری

رازی بقا و قانمه استقلال ایران

وظائف انجمن‌های ادبی



(۲)

این زبان عزیز، با آن ذخائر و نفایس بیکران، از بدایع قرائح و ابکار افکار بشری که در خزانه خویش انباشته دارد و بر فرق و تارک ایران بلکه جهان چون تاجی گوهر آمود میدرخشد، فسوسا و دریغا که امروز غریب و بی یار و بیکیس و مددگار مانده است! لابد شنیده یا خوانده‌اید که جگر گوشه نازنین تن و پاکیزه جان پیغمبر بزرگ اسلام، حسین بن علی علیه السلام، در نیمروز عاشورا سر بر نیزه مظلومی و تنهایی زده بود و

در حالیکه شمشیرها و نیزه های بران از نیام آخته و تیرها و پیکانهای در چله کمان نشسته نابکاران و پتیارگان سخت دل و تیره جان لشگریان یزید پلید را بچشم متیدید فریاد هلمن ناصر ی نصرنی میکشید ، زبان پارسی نیز امروز ، برابر هجوم پی گیر و بی امان لغات و مصطلحات بیگانه و خارجی از یکسو و نیش قلم و تیغ زبان گروهی نوحاسته و نوچرخ و نوپرداز آشنا و داخلی از سوی دیگر قرار گرفته است و باعجز وزاری و الحاح و بیقراری فریاد می کشد و یاری میطلبد و زینهار می خواهد که تن پاک و جان تابناک او را محفوظ و مصون بدارند و نگذارند آن چهره زیبا و قامت رعنا و جمال فریبا، که هنوز هم با همه شکستگی بصد هزار درست می ارزد و درعین پیری و فراتوتی باز فتنه دلها و آفت جانهاست و با یک کرشمه چشم و ابروی جادو و دلفریب صبر و قرار و شکیب از پیرو برنا و شیخ و شاب و مسلم و گبر و یهود و ترسا و بیگانه و آشنا میر باید، از ضربت تیغ و سنان نابخردان، بهمد یا بختا، مجروح و خونین و زشت و ننگین شود.

با این بیان هر چه بر دم و ذیف اینگونه انجمنهای ادبی و محافل شعری و مجالس شنبلیله بواقی و یقین پاسداران شعر و ادیب فرهنگ باستان و کهن پارسیست افزوده شود مفید فائده و شمر ثمر است ، هر چند بعضی از آنها خالی از مسکنت و منقصت و بی عیب و سوار است .

وظیفه انجمن های ادبی

اما کفایت این مهیه مو دلول بشرطی است که انهم آن بدین قرار است:

۱ - بانیان و مؤسسان و گردانندگان انجمنها باید بر علوم و فنون مختلف شعر و ادب پارسی و عربی مسلط و در متون آثار متقدمان مستنبط و محقق و متبوع و مبتکر باشند. ذوقی سلیم و طبعی مستقیم و انصافی فراوان و عدای کامل و نفاذی معنوی و شرح صدر و سعه خاطر و مستوفی داشته و در حدود ممکن با دبیات کشور های جهان آشنا و مانوس باشند و بگرنه :

ذات تا یافته از عسی بخش کمی تواند که شود هستی بخش نیز در سرودل، جز حفظ و وقایه زبان پارسی ، از هر گونه هرج و مرج و تشویش و اغتشاش، آرزویی و اندیشه یی نپرو رانند و تنها بتصد خدمت خالص، برای جلوگیری از انحطاط و اضمحلال این سرمایه عظیم و گرانسنگ ملی و معنوی و فرهنگی، بدین کار پردازند، **قربة الی الله و طلبا لمرضاة و کاسة زرین بی نیازی را به کیسه چرکین گدایی تبدیل نکنند.**

۲ - مهما ممکن افراد و بخصوص جوانان با ذوق و استعداد و شوق و قریحه را به عضویت بپذیرند و بانجمن راه دهند یعنی کسانی را که برآستی طالب و شیفته شعر فصیح و بلیغ و نثر دقیق و رشیق پارسی و باصالت و نبالت زبان و لزوم و رعایت اصول و مبانی و قواعد و موازین آن مؤمن و معتقد هستند.

۳ - بکوشند که انجمن جنبهٔ مکتب بحث و نقد و اصلاح و تکمیل و ترقی و تعالی داشته باشد و بهر روز قدمی پیش نهاد نهد در یکجا بایستد و متوقف و ساکن نشود. پس نباید بخواندن و شنیدن غزلی بسنده کرد بلکه لازمست بانواع و اقسام شعر از قصیده و قطعه و رباعی و دوبیتی و مثنوی و ترجیع بند و ترکیب بند و اشکال دیگر تازه و بدیع نیز پرداخت زیرا هر مطلبی و مضمونی و موضوعی با نوعی شعر بیشتر تناسب دارد. آنچه را در قالب مثنوی که آماده‌ترین انواع شعر است جای میگیرد نمیتوان در قصیده یا غزل گنجانند و بالعکس. علاوه چنان می‌نماید که عمر بعضی از بحور ثقیل الوزن و التزامها و تکلف‌ها و تصنع‌های بیهوده و متلف وقت بسر آمده باشد و پرداختن به آنها در حکم احیاء اموات است.

۴ - حتی المقدور موضوعات تازه و مضامین بکر و داستانهای نو طرح شود و در همان شیوهٔ سلیس و روان و بیان رشیق و منسجم و اسلوب عالی و ممتاز و در هر قالب شعری که جایگیرتر و دل‌انگیزتر باشد پرشتهٔ نظم کشیده شود.

۵ - از استعمال و استماع ترکیبات نو و تعبیرات بدیع و اسلوب‌ها و سبکهای تازه که بااصالت و قواعد اساسی زبان پارسی مغایرت ندارد و نوعی ابتکار لفظی و بداعت صنعت بدیعی نیز بشمارآید امتناع و تحاشی نشود. منع و طرد این ابتکارات نوعی تعصب و تحجر بشمار آید و هرآینه مذمومست زیرا اگر بباقی ماندن در چهار چوب بحر و وزن و روی و قافیه و ردیف التزام باشد هیچگاه و بهیچ صورت الزام نیست که همان تعبیرات و ترکیبات و تشبیهات و استعارات و تمثیلات و اسالیب بیان و شیوهٔ تقریر گذشته را مطاع و متبع دانست. اگر بر پیروان سبک قدما، از طرف طرفداران و هواخواهان تجدید و انقلاب ادبی، اعتراضی وارد باشد در همین جاست.

همهٔ شاعرانی که مانند فردوسی و سعدی و حافظ و خیام و نظامی و خاقانی و سنائی و مولوی نام جاویدان یافتند و آثاری لایزال بر جای گذاشتند مبتکر و مجدد و نوپرداز بوده‌اند، عاریت کس نپذیرفته‌اند و آنچه دلشان خواسته‌است گفته‌اند. بی آنکه در اصول عروض و قواعد بدیع شعر تغییر و تبدیلی داده باشند، اسلوب سخن‌پردازی و طرز ترکیب و تألیف کلمات و جملات و نوع تعبیر و تبیین مطلب را دگرگون کرده‌اند و بگونه‌ی نو و تازه درآورده‌اند که با یکدیگر همانند و متشابه و متمایل نیست.

پس اگر امروز هم کسی بتواند بسائقهٔ نبوغ ذاتی و قریحهٔ سرشتی بچنین ابداع دست یازد، بی شک، در شعر و ادب ایران آن دگرگونی را پدید آرد که همه در انتظار و چشم‌براه آن هستند و ساعت می‌شمارند ولی افسوس که این کار علاوه بکوشش انسانی بکشش آسمانی هم نیازمند است.

دیگران هم بکنند آنچه مسیحامی‌کرد

فیض روح القدس از باز مدد فرماید

۶- بجز شعر بدیگر مظاهر و معالم احساسی و عاطفی و مواضع ادبی و ذوقی که تاکنون در ایران سابقه و رواج نداشته است مانند داستان پردازی و نمایشنامه نویسی چه میکی و چه مضحك (درام و کمیک) و اپرا و امثال آن نیز پرداخته شود و بخصوص با ادبیات عامه یعنی برای همه طبقات مردم و برای همه ادوار سن بخصوص کودکان و نوآموزان توجه بعمل آید زیرا جای آنها در آثار ذوقی ایران خالیست و چرا خالی باشد؟؟ بعلاوه دور نیست در پرداختن باین کارهای نو و تازه قریحه عالی و ذوق لطیف ایرانی هنر نمایها و جادویهای کنده و برخزانه غنی و توانگر آثار گذشته هدیه‌هایی ارزنده و متاعهایی گران بها بیفزاید.

۷- بجز شعر بنثر هم التفات و توجه خاص مبذول شود زیرا خطر تشویش و اغتشاش در نثر کمتر از نظام نیست. نویسندگان و گردانندگان روزنامه‌ها و مجلات که بیشتر بجنبه خبری و تجاری و جلب منافع مادی چشم دارند بهیچوجه خود را بحفظ دستور زبان پارسی و اصول و موازین آن مقید و پای بند نمیدانند و با کمال تأسف کودکان و خردسالان و جوانان ما، از پسر و دختر، که باید در عنفوان جوانی درست گفتن و درست نوشتن زبان مادری خود را فراگیرند و پایه و مایه آن را از هم اکنون محکم و متقن سازند، روزانه با مطبوعاتی سروکار دارند که، بی هیچ قید و شرط، هر چه را بنوک خامه بعضی نویسندگان پیمایه و بیعلاقه میآید، بروی کاغذ میآورند و در حقیقت زبان پارسی را با این مندرجات مبتذل و زشت و کزیه، بگونه بی مسخ، فرمایش جوانان و نوآموزان مینهند.

۸- باید بوسائل مختلف و طرق متفاوت مبارزه‌ی سخت و بی گیر با ورود و دخول، بی حد و حصر و بی غایت و نهایت، لغات و اسامی خارجی در زبان پارسی شروع شود.

امروز از هر کوی و برزن و هر خیابان و رهگذر بگذریده شاهد می‌کنید که اسم هر محل کار و حرفه و پیشه و نام هر بنگاه و تجارتخانه و مؤسسه، يك کلمه ناماً نوس و ناماً لوف خارجیست که با خطی ناماً نوس و ناماً لوف تر مینویسند و نوشتن و خواندن آن هر دو برای ایرانیان متعسر و دشوار است.

حتی، پیشه‌وران خیلی حقیر و دکانداران بسیار کم مایه، نه در تهران بلکه در شهرستانها و دیه‌ها نیز، نامی بیگانه برگزیده و بر پیشانی و جبهه دردکان و محل کار خود، با رسم الخطی عجیب و غریب، نقش کرده‌اند که تلفظ آن با لهجه ایرانی بسیار دشوار است و خط آن با هیچیک از رسم الخطهای زیبا و قریبای ایرانی که چشم از دیدن آنها لذت میبرد تطبیق نمیکند.

این نامهای نامتناسب و ناروا و این خطهای کج و معوج بشبها با لوله‌های شیشه‌بی‌گاز نشون روشن میشود و براستی دیدن و خواندن آنها سرسام‌خیز و دوار انگیز است.

برای آنکه بدانید سخن برگزافه نمیرود و وضع تا چه حد زشت و دردناک و بی عنایتی و بی توجهی و حتی بی اعتنائی تا چه پایه و مایه عجیب و غریب است و نیز برای آنکه در

تاریخ این زمان، جریان کار، برای نسل آینده ثبت و ضبط باشد با يك نظر اجمالی نام سینماها و مهمانخانه‌ها و داروخانه‌ها و دوزندگیها و دکانها و افراد در اینجا آورده میشود.

نام سینماها

آتلانتیک - آزیسا - ادسون - اسکار - المپیا - اورانوس - اونیورسال - اینفل - بلوار - پارامونت - پارک - پاسیفیک - پانوراما - پلازا - پولیدور - دیاموند - دیانا - رادیوسیٹی - رویال - ریولی - سانترال - ساپتا - سیلوانا - سیلورستی - سینه موند - رکس - امپایر - فلور - کاپری - کریستال - گلدن سیتی - مارلیک - ماساژستیک - ماندانا - متروپل - مولن روژ - مونت کارلو - میامی - ناتالی - نپتون - ونوس - نیاگارا

در برابر اینهمه نامهای نامأنوس و ناآشنای خارجی، برای خالی نبودن عریضه، چند سینما هم نام پارسی، هما و آسیا و آبشار... دارد که اساساً بحساب نمی آید.

نام مهمانخانه‌ها

اساساً بجای کلمه مهمانخانه، خوراکخانه، قهوه‌خانه، باشگاه با این لفظ و معنی متناسب، چرا باید کلمات هتل و رستوران و کافه و کلوب بکار برد؟

آتلانتیک - آریاشرایتون - رستوران بار - آستوریا - آمباسادور - آنجلس - اکسلیسور - الیزابت - امپایر - اورست - پارک - اینتر کنتیننتال - پارک هتل - اینترناسیونال - هامبورگ - پانوراما - پرنس - پلازا - پولاریس - تهران پالاس - دیاموند - رزیدانس - رامانیا - رویال - تهران هیاتون - ژرمن - ساپن - سانترال - سویس - کاسپین - کریستال - کلاریج - کمودور - لانترن - مارلیک - ماساژستیک - مایسن - میامی - ناپلئون - تی بی - نیوپلازا - نیونادری (?) - ورسای - ویکتوریا - بافلو - یوکاریو - باکارا - ناچارا - باستیس - پیتزا - رز - رکس - روزولت - ریویرا - سالوت - سورن - کابانا - لوکولوس - لیدو - مولن روژ - ویترو - هامبورک - کازبا - باواریا - چاتانوگا - گزانادو - سورنتو - شمینه - پریموند - کارتیه لاتن - سار.

در برابر اینهمه اسامی عجیب و غریب خارجی چند مهمانخانه هم نام ایرانی دارد که در شمار قطره در دریا و دانه در خرمن است.

دبیر کل بنیاد - دکتر نصره الله کاسمی

